

## اقدامی مهم در دفاع از کارگران ایران از جانب کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون اتحادیه های جهانی

## اکتبر می پرسد؟ زنده باد هشت مارس! پری زارع

به زن تبدیل شده است. ۸ مارس نقطه درخشانی است که هر سال زنان و مردان برای طلب در ایران را با این سنت آرایخواهی بین المللی همراه میکند. در کردستان همانطور که شما اشاره کردید تا حدی به یک سنت اجتماعی برایی طلبانه مبدل شده و اساسا ابتکار گرامیداشت این روز در دست فعالین رادیکال و برایی طلب عرصه زنان بوده است. تجارب تا کنونی نشان داده که علیرغم موانع قانونی و دولتی و مشکلات امنیتی که پیش پای این فعالین قرار داشته است توانسته اند با آن دست و پنجه نرم کرده و در این آستانه روز جهانی زن و در این روز مساله زن را

**اکتبر:**  
بزرگداشت ۸ مارس در کردستان تا حدی به سنت اجتماعی برایی طلبانه مبدل شده است. بعنوان یکی از فعالین جنبش برایی طلبی در کردستان اوضاع کنونی را چگونه میبینید؟ چه اقداماتی در دستور قرار میگردند؟  
**پری زارع:**  
در سالهای اخیر با متشکل شدن بخش قابل توجهی از زنان و جوانان در قالب تشکلهای و نهادهای غیر دولتی فعال در عرصه های مختلف اجتماعی و بخصوص عرصه زنان، استقبال از بزرگداشت روز جهانی زن در سطح وسیعی به جایگاهی برای اعتراض به بی حقوقی و خشونت

اقتاده کلیه کارگران و اعضاء سندیکا.  
این اقدام در دفاع از کارگران ایران و مشخصا در دفاع از اعتراضات و مبارزات کارگران شرکت واحد میتواند به تحرکی جدی علیه جمهوری اسلامی در سطح بین المللی دامن زند. این اقدام تلاشی مهم در دفاع از کارگران ایران و علیه یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به کارگران شرکت واحد میباشد و میتواند پشتوانه خوبی در دفاع از کارگران شرکت واحد باشد.  
حزب حکمتیست ضمن استقبال و پشتیبانی از این حرکت تمام تلاش خود را در پیشبرد این تلاش انسانی و خوب در دفاع از کارگران ایران بکار خواهد برد.

روز سه شنبه ۷ فوریه ۲۰۰۶ کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون اتحادیه های جهانی طی فراخوانی روز ۱۵ فوریه را به عنوان روز حمایت از کارگران ایران اعلام کردند. در فراخوان کنفدراسیون اتحادیه های آزاد و فدراسیون اتحادیه های جهانی چنین آمده است: " پیرو دستگیری تا ۱۳۰۰ کارگر سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه و آزاد نشدن آنان، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری به همراه فدراسیون اتحادیه های جهانی، روز ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ را روز جهانی در حمایت از کارگران ایران اعلام کردند. این تشکل کارگری جهانی از همه اتحادیه

ها در سطح جهان خواسته است که در هر کشوری که سفارت دارد، تظاهرات اعتراضی خود را مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و در غیر اینصورت در مقابل وزارت کشور خود جهت تحقق خواسته های زیر سازمان دهند.  
۱- برسمیت شناختن حق تشکل مستقل کارگران در ایران  
۲- آزاد کردن منصور اسنلو و کلیه کارگران دستگیر شده سندیکای شرکت واحد  
۳- پذیرش حق داشتن سندیکا از طرف مدیریت شرکت واحد  
۴- برسمیت شناختن حق قرارداد دسته جمعی  
۵- پرداخت دستمزدهای عقب

## المتنای باطل!

### در باره مواضع اخیر سازمان زحمتکشان!

و زیر و رو کردن شیرازه مدنی جامعه، کم نظیر بود، از نظر عبدالله مهتدی فقط "آب به آسیاب صدام" ریخت. کسی که در آن روزها و ماهها و سالهای پس از آن، صحنه های کشتارهای هر روزه و نمونه های بسیار وحشتناک آنها در فلوجه و زندان ابوغریب دیده باشد، و فقط مشاهده کرده باشد که این موج سراسیمه اشغال نظامی و سیاست دست برآمشته تفنگداران ارتش آمریکا، عامل و بانی و محرک و زاینده موج به مراتب ارتجاعی تر حرکات اسلام سیاسی و مقاومتی انتحاری آن بوده است، کسی که جفت همزاد اشغالگری نظامی آمریکا را در سربرینهای بیرحمانه و فوق جنایتکارانه اسرا

اظهار نظر و اعلام موضع عبدالله مهتدی در باره احتمال درگیری نظامی بین جمهوری اسلامی و آمریکا، بویژه پس از اوجگیری دور جدید "بحران اتمی"، یک موضع آشکارا دست راستی و طرفدار بی پره مداخله نظامی آمریکا است. عبدالله مهتدی در مصاحبه با رادیو همبستگی، نتوانست پنهان کند که او از تاثیرات تظاهرات چندین میلیونی علیه سیاست جنگی آمریکا و اشغال عراق در فوریه ۲۰۰۳، از قد علم کردن صف جهان متمدن و بشریت ضد ژاندارم بازی آمریکا و تحرک کم نظیر جنبش ضد جنگ و میلیتاریسم، طی این چند سال، مشغول قورت دادن غیظ و نفرت و کینه خود بوده است. این تظاهرات که در تاریخ مصاف جهان متمدن علیه نقش ژاندارمی آمریکا و میلیتاریسم و اشغال نظامی



ایرج فرزاد

iraj.farzad@gmail.com

دو اظهار نظر و یک ادعا، شاید به تنهایی بتواند معضل و تناقض راه اندازی یک سازمان دست راستی و قوم پرست را تحت نام کومه له و آنهم زیر پرچم کردستان، به صراحت هر چه تمامتر، در برابر سران سازمان زحمتکشان، و البته مهمتر از آن در برابر مردمی که کومه له را میشناسند، قرار دهد.

## کمپین دفاع از نویسنده مریوان حلبچه ای



### سندج

کارگران شاهو امروز در اعتراض به قرارداد موقت کار اداره کار را اشغال کردند.

اطلاعیه کمیته مریوان خطاب به مردم شهر مریوان و حومه  
اجازه ندهید جمهوری اسلامی اوضاع شهر مریوان را  
متشنج کند!

گروه های گارد آزادی را تشکیل  
دهید!  
به گارد آزادی بپیوندید!



همزمان و همه کارگران و مردم آزادیخواه را به دفاع از این حرکت و پیوستن و تقویت آن در دفاع از کارگران ایران فرامیخواند.

**زنده باد اتحاد طبقاتی کارگران!**  
**زنده باد همبستگی کارگری!**  
**تشکیلات خارج حزب کمونیست**  
**کارگری ایران - حکم نیست**  
**۱۹ بهمن ۱۳۸۴، ۸ فوریه ۲۰۰۶**

ترجمه کامل متن فرخوان:  
فراخوان کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و فراسیون اتحادیه های جهانی (ICFTU & TUAC-OECD)  
روز جهانی در دفاع از کارگران ایران  
۸ فوریه ۲۰۰۶  
پیرو دستگیری تا ۱۳۰۰ کارگر

سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه و آزاد نشدن آنان، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری به همراه فراسیون اتحادیه های جهانی، روز ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ را روز جهانی در حمایت از کارگران ایران اعلام کردند. این تشکلات کارگری جهانی از همه اتحادیه ها در سطح جهان خواسته اند که در هر کشوری که سفارت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، تظاهرات اعتراضی خود را در جلو آن سفارت خانه و در غیر اینصورت در مقابل وزارت کشور خود جهت تحقق خواسته های زیر سازمان دهند.

- برسمیت شناختن حق تشکل مستقل کارگران در ایران  
- آزاد کردن منصوراسنلو و کلیه کارگران دستگیر شده سندیکای

شرکت واحد پنیرش حق داشتن سندیکا از طرف مدیریت شرکت واحد - برسمیت شناختن حق قرارداد دسته جمعی  
- پرداخت دستمزدهای عقب افتاده کلیه کارگران و اعضاء سندیکا کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری از تمامی اتحادیه ها در سطح جهان درخواست کرده است که ضمن ارائه گزارش کامل اقدامات خود در این مورد، در هر کجای جهان که هستند اخبار اقدامات خود همراه با عکس و چگونگی پیشبرد این حرکت را با ای میل جهت انعکاس در سایت این کنفدراسیون ارسال دارند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران از تمامی نهادهای سیاسی، افراد، مدافعین حقوق

کارگران و اقشار تهیدست جامعه ایران انتظار دارد ضمن شرکت در این تظاهرات اعتراضی، جهت غنا بخشیدن به این اقدام جهانی کمال همکاری را با اتحادیه های کشور های محل سکونت خود بعمل آورده و خبر این اقدام را جهت درج در رسانه های گروهی ارسال دارند.



جنبه کارمان ضمن استقبال از شرکت عمومی در این مساله، جدال با گرایشات دیگر اجتماعی در برخورد به مساله زن است. در این مدت یک ماهه و تا روز جهانی زن باید توجه و اقبال عمومی را جلب کرد. ۸ مارس ملک کسی نیست این روز متعلق به همه زنان و مردان و انسانهای آزاده ای است که از تبعیض و نابرابری رنج میبرند صرف نظر از اینکه چه گرایشی دارند و چه فکر میکنند و با چه زبانی حرف میزنند و با چه ملیتی دارند. متعلق به همه زناتی است که از درجه دو بودن بیزارند، از حجاب اجباری از تحقیر خشونت از جداسازی و از این آپارتاید جنسی تمام عیار به تنگ آمده اند و میخواهند سنگسار و قتل ناموسی و فقر و تن فروشی بریافتند. انسانهایی که حتی شاید خود را تنها در یک خواست و هدف با ما مشترک بدانند. بنابراین فعالین برابری زن و مرد باید انسانهای شریف و متفراز تبعیض و بی حقوقی و مردسالاری را به این صف جلب کنند و با سخنان و قطعنامه های روشن و تلاشهای انساندوستانه بقیه جریانات موجود در جامعه را بنبال خود بکشانند.



آن تداعی شوند و یا خود را به آن آویزان میکنند. تفاوت ما در اینجا است که اگر کسانی بیباید و به بهانه ۸ مارس که روز برابری زن و مرد و یک سنت چپ و کارگری است از زن طوری حرف بزنند که همیشه میگویند، مثلا از تقدیس ملر بودن زن و یا تقسیم زنان به زن کرد و غیر کرد و یا به تعریف و تبلیغ شعار مذهبی در خصوص جایگاه "والای" زن در جامعه بپردازند و یا مانند خانم عابدی بیباید و بگویند که اسلام با حقوق زن مغایرتی ندارد و از این حرفها... در اینجا ما به انتقاد از این سیاستها و تفکر ارتجاعی میپردازیم و جوابشان را میدهم. حتی اگر این کار در زیر سقف یک سالن و رودر روی هم باشد. در اینجا دیگر جای سازش نیست. جنبش برابری طلبی زن و مرد حرف خود را دارد و راه خود را میبرد. بنا بر این در اینجا دوستانی که در این بزرگداشتها با هر تفکری شرکت میکنند نباید از کسی گله مندی داشته باشند.

باید از شرکت هر چه وسیعتر و توده ای تر در بزرگداشت ۸ مارس استقبال شود. اما باز تاکید میکنم که این را هم باید پذیرفت که هر کس حرف خود را دارد. ما از برابری کامل و زن و مرد کوتاه نمی آیم. ما از رفع کامل تبعیض و آپارتاید جنسی کوتاه نمی آیم و ما زن را به کرد و فارس و عرب و ترک تقسیم نمیکیم و حقوق زن را مانند حقوق همه انسانها جهانشمول میدانیم. این تفاوت ما است و باید این را برسمیت شناخت. ما در این عرصه و در این ۸ مارس هم یک

برابری زن و مرد را همچون حقوق کارگر شرکت واحد نمیتوان موکول به بعد از حل بحران اتمی کرد. این مبارزات و تلاشها خود بخشی از راه حل بحرانهای دیگر اجتماعی است. امسال روز جهانی زن را باید از زیر آوار احتمالی سر و صدای بحرانهای کنونی رژیم نجات داد و به صحنه جامعه کشاند. این کار است که از همین حالا شروع میشود. صدای رسای فعالین زنان در همایشها و مجالس و محافل و در روزنامه ها و در نوشته ها و خطابه ها و هایتان باید از همین حالا به گوش جهانیان برسد. من فکر میکنم که اگر این کارها انجام شوند حتی اگر مراسمی در ۸ مارس برگزار نشود بهر حال مساله زن و صدای زنان و خواستها و اعتراضشان بار دیگر و باز هم به گوش جامعه رسیده و به دولت اعلام شده و پیام زنان ایران به گوش جهانیان رسیده است. پیام فعالین زنان و طرح خواستها و اعتراض زنان و صدایشان را که در تمام این مدت مطرح شده است نمیتوانند خفه کنند.

**اکتبر:** جنبش ناسیونالیستی کرد از هر لحاظ با جنبش برابری طلبی بیگانه بوده است. ناسیونالیستها در سالهای اخیر تلاش میکنند که با ۸ مارس تداعی شوند، چرا؟ نحوه برخورد با آنها چگونه باید باشد؟

**پری زارع:** بله این واقعیتی است که دلایلش را باید در این دید که برابری طلبی زنان که روز جهانی زن به امری غیر قابل انکار تبدیل شده که همه به نوعی میخواهند با

استانه ۸ مارس با موانع و محدودیتهای شدیدتری مواجه خواهند بود. برای دست و پنجه نرم کردن با این شرایط امسال آمادگی بیشتری لازم است.

اما چیزی که خیلی اهمیت دارد این است که گرامی داشت روز جهانی زن را نباید تنها محدود به یک روز و همان روز ۸ مارس دانست. از همین حالا و هفته های قبل از فرارسیدن این روز میتوان توجه جامعه را به مساله زن و بی حقوق و تبعیض و آپارتاید جنسی و بی احترامی که به انسان میشود جلب کرد. این روزها و هفته ها باید فضای جامعه را از صداها و فریادهای زنان پر کرد. ما تجارب سمینارها و کارگاهها و میزگردها و همایش ها و پانل و گفت و شنود و غیره را داریم فعالین زنان در این مدت و تا رسیدن ۸ مارس فرصت خوبی دارند که مساله زن و بی حقوقی زن و تبعیض جنسی که گاهی زیر آوار هزار و یک بدبختی و فلاکت اقتصادی و فشار سیاسی و پلیسی گم میشود را بار دیگر به صحنه جامعه آورند. بخصوص امسال در میان داد و فریاد بحران هسته ای و تبلیغات جمهوری اسلامی برای اینکه احساسات میهن پرستانه مردم را به نفع خود تحریک کند، ظاهرا حرف از بی حقوقی زن در چنین فضایی ممکن است گوش شنوا پیدا نکند. و یا خود به بهانه این وضعیت فشارشان را برای خفه کردن صدای فعالین زنان افزایش دهند. اما تلاش فعالین زنان میتواند بر این اوضاع فلیق آید.

رفع تبعیض جنسی و خواست

در جامعه به عنوان مساله ای اجتماعی مطرح کرده و خواست برابری زن و مرد را به صحنه سیاست جامعه می کشانند. یکی از نتایج این تلاشها این است که در این چند سال هر وقت صحبت از فرارسیدن ۸ مارس و بزرگداشت این روز به میان میاید فضای اعتراضی شهرهای کردستان جزو اولین جاهایی است که در ذهن تداعی میشوند. این واقعیت را همه کسانی که به نوعی با مسائل زنان سرو کار دارند متوجه شده اند.

اما فکر میکنم ۸ مارس امسال بیشتر از سالهای قبل موضوع برخورد و رویارویی فعالین زنان چه در کردستان و چه در تهران و دیگر شهرها با دولت و دم و دستگاههای امنیتی و انتظامی اش باشد. دولت احمدی نژاد در اولین اقدامش علیه حقوق مننی شهروندان و بخصوص علیه آزادیهای زنان حتی ورود و پخش هر گونه فیلم و برنامه از صدا و سیما را که تم فمینیستی و سکولاریستی داشته باشد ممنوع و اقدام به فیلترینگ سایتهای زنان کرده است. بنابراین معلوم است که چه برخوردی به ۸ مارس و بطور کلی صدای آزادیخواهی فعالین جنبش برابری طلبی زنان خواهد داشت. مشخصا در استانداری کردستان از منتهای پیش اولتیماتوم استاندار جدید به فعالین و شخصیتهای نهادها و تشکلهای زنان اعلام شده که آنها را دعوت به سکوت کرده است. از نظر من فعالین زنان امسال بخصوص در

## المثنای باطل!

از ص 1

بر صفحه تلویزیونها میبندد و با بی شرمی تمام اعلام میکند، تظاهرات میلیونی علیه این آدم کشی ها و نسل کشیها، خنثی به صدام بوده است، حتما موجودیت و هویت، و شکل گیری سیاسی اش از این جنایات تغذیه میکند. یامان نرفته است که در جنگ سال ۱۹۹۱ آمریکا و "محتدین" اش، با رژیم عراق، دسته ای از همین اسلاف آقای مهدی چند دختر بچه خردسال را با لباس "کردی" به ملاقات ماکارت تاجر فرستادند تا از "نعمت"ی که با کشتارهای کم سابقه مردم غیر نظامی و سربازان ارتش عراق در جریان عقب نشینی از کویت، توسط نیروهای تحت فرمان ژنرال شورواتسکف، نصیب "ملت کرد" شده بود، تشکر کنند. اولین نطفه های سازمان زحمتکشان در سایه آن نعمت و برکت خونین بسته شد. موضع جناب عبدالله مهدی در مورد احتمال درگیری نظامی بین آمریکا و رژیم اسلامی، بی پرده و وقیح، ذوق زدگی از نزدیک شدن سناریو سیاه عراقیزه شدن جامعه ایران و از آن ارتجاعی تر و ضد انسانی تر و دست راستی تر، مخالفت از پیشی با هر نوع مبارزه و بسیج مخالفت با این سناریو به مراتب خونین تر و ویران کننده تر است. اما در عین حال یکی دیگر از سران سازمان زحمتکشان، عمر ایلخانی زاده، ایضا در یک مصاحبه رادیویی، این بار با رادیو زاپه له در سوئد، گفته است که سازمان متبوع او، سازمانی "چپ" و وفادار به سوسیالیسم است! تلاشی عیث برای جعل المثنای یک شناسنامه معروف خاص و عام.

اینکه "بیبیرکل" محترم از آن سوی عشق به ارتجاع نظم‌میکری و سناریو سیاه تر از عراقیزه کردن جامعه ایران، از ذوق دست و پای خود را چنان گم کرده است که تظاهرات چندین میلیونی بشریت متمدن و ضد جنگ را، عینا چون بوش، طرفداری از صدام مینماید و از این سو، عمر ایلخانی زاده،

سازمان زحمتکشان را وفادار به آرمان سوسیالیسم، ریشه در یک تناقض پایه ای تر دارد که با سرهم بندی شدن سازمان زحمتکشان، همراه و همزاد با این جریان متعصب قوم پرست آمده است. آن یک ادعای سران این سازمان است که آنها گویا کومه له قبل از پیوستن به مبارزه برای تشکیل حزب کمونیست ایران را "بازسازی" کرده اند. و فرض میگیریم که مردم کردستان، تمامی کسانی که نام کومه له را شنیده اند و سابقه فعالیت‌های آنرا میدانند، از آقایان باز سازی کننده بپزیرند که تاریخ کومه له به مدت نزدیک به بیست سال، مسیر انحراف را طی کرده باشد. فرض میکنیم که کومه له قبل از تشکیل کنگره دوم آن، منحل اعلام شده است و تاریخ این سازمان در این مقطع بسته شده باشد. با اینحال، کومه له آن سالها، یعنی سازمانی که به نام سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، فعالیت میکرد، با یک سری از فعالیتها، روشها و برخوردها به مسائل سیاسی و اجتماعی و به مردم بازشناسی می شد. اولین خصوصیت آن سازمان، طرفداری آن از مردم کارگر و زحمتکش و پیوند عمیق با زندگی و مبارزاتشان بود. آن سازمان، با راه اندازی حرکت تشکیل مجمع عمومی مردم زحمتکش روستاها و راه اندازی دستجات مسلح و علنی تبلیغ و ترویج افکار چپ و ضدارتجاعی اتحادیه دهقانان و با قاطعیت در برابر دارو دسته های مرتجع ودوایر اسلامی مکتب قرآن و برجیدن اولین مقر سپاه پاسداران میروان که به اتکا عناصر مزدور مکتب قرآن سرهم بندی شده بود، با سازماندهی کوچ مردم میروان و راهپیمایی مردم برای مقابله با سیاستهای سرکوبگران رژیم اسلامی، اعلام اراده برای سازماندهی مقاومت در برابر فرمان حمله خمینی و مهمتر از همه با سازمانی که مطلقا ابعاد کردستانی نداشتند و دارای پیوندهای عمیق عاطفی و سیاسی با چپ جامعه ایران بود، شناخته میشد. چپ جامعه ایران، فعالین جنبش کارگری و سوسیالیستی

ایران، در کومه له، یک سازمان غیر محلی و دارای مواضع سیاسی متفاوت و قابل مشاهده و در تمایز با اسلامیها، ناسیونالیستها و محلی گرایی و انزوا طلبی دیده بودند. خلق سلاح و سپاه زرگاری و تبدیل شهرهای کردستان، و در راس آن سندسج، به پایگاه چپ سراسر ایران، طی حرکت‌های عظیم در نوروز ۵۸ و تحصن یکماهه برای اخراج سپاه پاسداران از مرکز شهر و راه اندازی بنک‌ها و نیز مقاومت ۲۴ روزه در برابر هجوم وحشیانه رژیم اسلامی، معروف خاص و علم بوده است، در تاریخ ثبت شده است و از شیرین ترین خاطرات مردم در باره زندگی و مبارزه عده ای کمونیست شناخته شده است که توانسته بودند منشا اثر باشند و مسیر رویدادها را در برابر عروج ارتجاع اسلامی به سمت چپ بچرخانند. سازمان زحمتکشان، درست در نقطه مقابل این خصوصیات کومه له آن دوران، بشدت محلی گرا، ناسیونالیست و تماما کردی و عشایری و ضدکمونیست، به امید راه افتادن تفرقه و جدایی ها و نرفتها و کینه ها و انتقامجوییها و پاکسازیهای قومی و ساختن گورهای دسته جمعی نشسته است. سازمانی است که اکنون با صراحت نه فقط در برابر چپ جامعه ایران، بلکه در برابر چپ جامعه بشری و جهان متمدن، نه تنها هیچ میل و رغبتی به سازماندهی مقاومت در برابر جنگ و لشکرکشی، که دیگر نه فقط کردستان بلکه تمام جامعه ایران و منطقه را تهدید میکند، نشان نمیدهد، بلکه بی پرده اعلام میکند که از پیش فرس را زیر پای مداخله گران نظامی و باتیان سیر محتمل سناریو خونین و سیاه در ایران و منطقه و حتی درگیری اتمی، پهن میکند. خود سران محترم سازمان زحمتکشان بخوبی میدانند، که آنها در ماجراهای آن سالهای اولیه فعالیت کومه له، در ساختن تاریخ آن دورانی که کومه له به نام سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران فعالیت داشت، کاره ای نبودند و در ماجراها و رویدادها دستی نداشتند.

اگر فرض کنیم که علیرغم فقدان پیشینه تاریخی در آن سالها، اینها اکنون تصمیم گرفته اند که خود را هادار مواضع آن دوره ها اعلام کنند، با وجود این شرافت سیاسی حکم میکند که وقتی اینها تصمیم گرفتند که سازمان زحمتکشان را بر مبنای دستاوردهای کومه له آن دوران، بازسازی کنند، به تاریخ و به سابقه مبارزاتی کسان دیگری که به نام کمونیست، کومه له آن دوران را در تاریخ جامعه ایران به ثبت رسانند، لجن، دروغ و سمهای قوم پرستانه و ارتجاع جنگ پرستانه نپاشند. کومه له آن دوران، نه مدافع نظم‌میکری و دخالتگری نظامی بوده است، نه عاشق و مرید سنن و میراث خوانین و عشایر مرتجع کرد بوده است و نه زیر پرچم کردستان، مدافع متعصب ناسیونالیسم و جهالت قوم پرستی و نه نفرت کور قومی نبوده است

و تناقض و معضل لاینحل سازمان زحمتکشان همینجاست. از طرفی میخواهند به عنوان یک سازمان تمام و خالصا قوم پرست قالاژ کرد و مدافع مکتبی فدرالیسم قومی و محلی گری عشایری، خادمین و عمل و اگره دست چندم دوایر نظامی و میلیتاریستی آمریکا شناخته شوند و در "کنگره خلقهای ایران" با مرتجع ترین باندهای نست ساز مانند الاحواز، و حزب لمرکرات فدرالیست چی شده، جبهه و ائتلاف راه بیاندازند و از طرف دیگر به مردمی که کومه له و تاریخ آن و کارنامه و پراتیک کمونیستها را میشناسند، بگویند که کماکان "سوسیالیست" اند. این نشندی است. سازمان زحمتکشان به این ترتیب و با این تناقض گوئیها، با زبان بی زبانی اقرار میکند که راه اندازی و سرهم بندی کردن یک فرقه قوم پرست ارتجاعی و مدافع مداخله نظامی و نقش ژاندارمی آمریکا و سمپات مکتبی به سناریو سیاه به نام کومه له، در هیچیک از مراحل زندگی و فعالیت آن، ناممکن است. تاریخ سیر پیوسته ای دارد، قیچی کردن مقطعی از تاریخ زندگی ما کمونیستها در کردستان و ایران و الصاق آن به تاریخ تراشی

مهندسین سازمان زحمتکشان غیر ممکن است. همانطور که پدرخوانده های آنها، و مشاورین و رهبران جنیدالورد فکری آنها، اعلام کرده اند، بهتر است از بازی عوامفریبانه با سوسیالیسم و آزادیخواهی و ادعای برابری طلبی دست بردارند، و با همان پرچم کردستان زیر تمثال روسای عشایر کرد، به فکر پلوی برای میلیتاریسم و "نعمت" شخم و زیر و رو کردن مننیت جامعه ایران باشند. مدل به قدرت خزین همتایان اینها در کردستان عراق، دیر یا زود از اینها خواهد طلبید، که ستاره سرخ کومه له را لاک بگیرند و زیر عکس و خاطره عزیز دهها کمونیست جان باخته، رفقای مثل محمد حسین کربیی و فواد و صدیق کمانگر، و سابقه و ردپای ما و همه کمونیستهای سازنده و صاحب تاریخ کومه له در تاریخ معاصر کردستان، به عوامفریبیهای ساده لوحانه شان نقطه پایانی بگذارند. فلسفه وجودی سازمان زحمتکشان و شرایط بقای آن، بلوغ در لجنزار عفونی نفرت و جهالت قومی و هلهله برای سناریو خونین مداخله نظامی آمریکا در ایران است. در این میدان خوشنام تا میتوانند دیپلوماسی کنند و پول و دستمزد و اجرت و پاداش بگیرند. ارزانی شان باد! دست از سر کومه له کمونیست و دستاوردهای اجتماعی آن و تلاش های مبارزین کمونیست بردارید، آقایان!

با سرقت نام کومه له کمونیست، نمیتوانید یک باد دست ساز و ضدکمونیست را به فروش برسانید. ما و مردم انقلابی کردستان و تمامی آزادیخواهان جامعه ایران چنین اجازه ای را به شما نمیدهیم بهتر است این را بدانید.

۱۳ فوریه ۲۰۰۶

## به گارد آزادی بپیوندید!

دستیار سردبیر: اسماعیل وایسی  
esmail.waisi@gmail.com

دبیر کمیته کردستان:  
h\_moradbiegi@yahoo.com  
Tel: 0046762737560

سردبیر:  
sharifi.abdollah@yahoo.com  
Tel: 00467365226

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!

## اطلاعیه کمیته مریوان خطاب به مردم شهر مریوان و حومه! اجازه ندهید جمهوری اسلامی اوضاع شهر مریوان را متشنج کند!

### مردم مبارز شهر مریوان

جمهوری اسلامی در پی متشنج کردن اوضاع شهرهای کردستان ایران است. یک بار به نام "حزب الله کردستان" اطلاعیه میدهد و مردم شهر سنندج را تهدید میکند و یک بار به نام "کفن پوشان امام خمینی" مردم شهر مریوان را تهدید میکند. تلاش جمهوری اسلامی برای متشنج کردن اوضاع فعلی، ناشی از وضعیتی است که حکومت اسلامی در آن قرار دارد. جمهوری اسلامی از طرفی با بحران چاره ناپذیر داخلی و صف میلیونی مردم متفرق و منزجر از خود در ایران و در کردستان ایران، و از طرفی دیگر با بحران

اتمی در سطح بین المللی روبرو است. کفگیر اسلام سیاسی در ایران کاملاً به ته دیگ خورده است و این وضعیت جمهوری اسلامی را بر سر نوراها تعیین کننده ای قرار داده است. جمهوری اسلامی در چنین شرایطی، نفع خود را در بحران سازی و متشنج کردن اوضاع می بیند تا از آن برای مرعوب کردن مردم سرنگوتی طلب استفاده کند. نامه های "حزب الله کردستان و کفن پوشان خمینی" در کردستان، قالبهایی هستند که جمهوری اسلامی با آن اوضاع را متشنج میکند. می خواهد دارو دسته های مسلح را به جان مردم بیندازد. باید کاملاً هوشیار بود و متحد و متشکل در برابر ماجراجوییهای نظامی جمهوری

### مردم مبارز و آزادیخواه شهر مریوان!

اسلامی ایستاد. این اطلاعیه داننها و تهدیدهای جمهوری اسلامی به نامه های گله حزب الله و غیره یک بار دیگر بر خطیر بودن اوضاع فعلی و لزوم مقابله مردم با چنین اوضاعی تاکید میکند. با این اوضاع باید مقابله کرد. اجازه ندهید که جمهوری اسلامی و مزدورانش اوضاع شهر مریوان را متشنج کنند. تلاش جمهوری اسلامی و مزدورانش را برای متشنج کردن اوضاع این شهر محکوم کنید. علیه اطلاعیه ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی و مزدورانش تومار اعتراضی جمع

کنید و آنرا در سطح شهر افشاء کرده و رسوا کنید. هر جریان سیاسی ای نیز که خود را در قبال سرنوشت و آینده این مردم مسئول میداند باید در مقابل این جو آفرینی و ماجراجویی جمهوری اسلامی بایستد و آن را افشاء و رسوا کند. اتحاد و همبستگی شما مردم مبارز اکنون بیش از هر زمانی ضرورت پیدا کرده است. متحد شوید، گارد آزادی را تشکیل دهید، کنترل محله و زندگی خود را در دست بگیرید. تشنج آفرینی جمهوری اسلامی را خنثی کنید. در این مبارزه ما را در کنار خود دارید. دوش به دوش هم حرکات جمهوری اسلامی و مزدوران او را در شهر مریوان زیر نظر داریم با همکاری و اتحادمان اگر



صلاح سرداری

دبیر کمیته مریوان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
8 فوریه 2006

## کارگران شاهو، امروز در اعتراض به قرارداد موقت کار، اداره کار را اشغال کردند!

مدتی است که کارفرمای کارخانه شاهو به 25 نفر از کارگران این کارخانه فشار آورده است که برای امضای قرارداد موقت کار مراجعه کنند. کارگران بارها به این پیشنهاد و تصمیم صاحب کار اعتراض کرده و در جلو کارخانه اجتماع کرده اند. بدنبال پافشاری کارفرمای جدید کارخانه بر خواست ضدکارگری کارگران به اداره کار مراجعه کرده و به اعتراض پرداختند. مسوولین اداره کار در مقابل خواسته های کارگران شانه بالا انداخته و پاسخ جدي ندادند که با اعتراض شدید کارگران مواجه شدند. کارگران پس از مدتی اشغال دفتر اداره کار از آنجا خارج و پراکنده شدند. اعتراض کارگران با حمایت مردم مواجه شده است. در ضمن کارگران شاهو از کارگران شرکت واحد حمایت کردند. کارخانه شاهو هنوز کارگران را سر میداند. کارگران نیز در مقابل شروط صاحب کار جدید تسلیم نمیشوند.

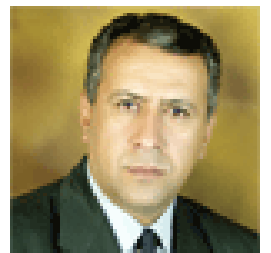
فرهاد احمدی

24 بهمن 84

## کمپین دفاع از نویسنده، مریوان حلبجه ای!

در متن جار و جنجال اسلامبها در رابطه با نشر کاریکاتورهای محمد، جریانات ارتجاعی مذهبی در کردستان عراق زیر چتر احزاب ناسیونالیست به خود جرات داده اند، که علیه نویسنده کتاب "اسلام، سکس، شرع" از مریوان حلبجه ای، باردیگرچهره ضد آزادی و ضد انسانی خود را نشان دهند.

ملا علی با پیر که زیر پر و بال جریانات مرتجع قومی کرد سالها است از قبل ترور و تهدید آزادیخواهی ارتزاق میکند، حکم ترور مریوان حلبجه ای را صادر کرده ست. این جنجال، نفرت مردم آزادیخواه شهرهای کردستان عراق را به همراه داشته است.



اکنون کمپین حمایت از آزادی بیان و دفاع از مریوان حلبجه ای در شهرهای کردستان عراق به گرمی در جریان است.

حزب کمونیست کارگری عراق، کارگران و مردم آزادیخواه، نویسنده ها و هنرمندان در این کمپین فعالیت جدی و گسترده ای را پیش میبرند.



اکتبر، قویا از این کمپین و مریوان حلبجه ای حمایت میکند.

ما در شماره های بعدی شما در جریان ابعاد این کمپین و مبارزه قرار میدهیم.

## نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!